



از شروع جشنواره، نگرانی‌هایی درباره سرنوشت فیلم، با توجه به تجربه نه چندان موفق چند فیلم فاخر مذهبی در یک دهه اخیر، وجود داشت ولی فیلم حاتم‌کیا به سرنوشت آن فیلم‌ها دچار نشد. آرامش فیلمساز و اعلام رضایتش از فیلم، حکم شروعی دوباره برای ساخت سریالی داشت که آنچه در این جشنواره به نمایش در آمد، مقدمه آن محسوب می‌شود.

روز پنجشنبه ۱۸ بهمن ماه ۱۴۰۳ برج میلاد شلوغ‌ترین نشست خبری‌اش را تجربه کرد؛ چه از نظر استقبال گسترده اهالی رسانه و چه از منظر گروه پرتعداد فیلم «موسی کلیم‌الله» که در دو نیمه و با دو ترکیب مقابل خبرنگاران و عکاسان نشستند تا نوبت به همه برسد. در طولانی‌ترین نشست جشنواره امسال، حاتم‌کیا کمتر از همه صحبت کرد و ترجیح داد بیشتر همکارانش حرف بزنند و از تجربه حضور در فیلم «موسی کلیم‌الله» بگویند؛ مجموعه‌ای که یک صدراعضایانشان از همکاری با حاتم‌کیا را اعلام کردند. پیش

مشاهدات پراکنده

فروش نوستالژی زیر سایه کن



حافظ روحانی

سایه کن همچنان بر سر بر گزار کنندگان جشنواره فیلم فجر سنگینی می‌کند و گر نه چه دلیلی داشت که این بار و برای طراحی پوستر جشنواره سراغ باز آفرینی عکسی از فیلم «مادر» ساخته علی حاتم‌کیا بروند؟ نه اینکه جشنواره کن با همه سروصدایش در چند سال گذشته این گزینه را باب کرده است که پوستر اصلی جشنواره‌اش را بر اساس عکسی از یکی از فیلم‌های موفق طراحی می‌کند که در سال‌های قبل در جشنواره کن حضور داشته‌اند و حال این فرصت را به برگزار کنندگان جشنواره می‌دهند تا با این انتخاب هم نام کارگردان آن فیلم - از فلینی گرفته تا وونگ کار وای و دیگران - را با نام جشنواره‌شان پیوند بزنند و به‌واقع آن را از آن خود کنند. در رقابت میان جشنواره‌های بین‌المللی، رقابتی که گاه برای راحتی جشنواره‌های الف خوانده می‌شوند، این اقدام کن هم یادآور قدمت آن است و هم کوششی برای حفظ جایگاهش با استناد به فیلم‌هایی که بعد از حضور در این جشنواره در میان فیلم‌هایی قرار می‌گیرند که کلاسیک خوانده می‌شوند.

جشنواره فیلم فجر با بیش از ۴۰ سال قدمت اتفاقا جشنواره نوپایی نیست. با این حال، رخدادهای اقتصادی و سیاسی سال‌های اخیر علنا آن را از چرخه جشنواره‌های بین‌المللی خارج و به جشنواره‌ای داخلی تبدیل کرده است؛ همچنان که همین مشکل محدودیت مسراوات بین‌المللی به‌همراه ضعف قدیمی سینمای ایران در بازاریابی بین‌المللی مانع از آن شده که فیلم‌های موفق ادوار مختلف جشنواره فیلم فجر فرصتی برای ورود به بازارهای بین‌المللی به‌دست آورند تا عکسی که از چهره رقیه چهره‌آزاد در فیلم «مادر» ساخته شده و روی پوستر رفته در عرصه رقابت بین‌المللی عملکردی همچون عملکرد پوسترهای جشنواره کن پیدا کند. جشنواره فیلم فجر - همچون بسیاری از رخدادهای مشابه در ایران - در پی ارائه نوعی از تصویر نوستالژیک است. آنچه از آن تصویر یا باز آفرینی کم‌کیفیت خسرو شکیبایی با هوش مصنوعی در افتتاحیه جشنواره برمی‌آید، انگار بیش از آنکه تلاشی برای یادآوری قدمت جشنواره به‌عنوان ابزاری برای رقابت با رقبای منطقه‌ای باشد (آنچنان که کن می‌کوشد به رقبایش یادآوری کند) یادآور تمایل همیشگی برگزار کنندگان برای باز آفرینی همان نوستالژی است با این تفاوت که کن با نوستالژی، قدرت‌ش را به رقیب یادآوری می‌کند و فجر بدیهیات را به جمعی کوچک که هر ساله در همین موقع سال جشنواره فجر را انتظار می‌کشند، ارائه می‌دهد؛ بی‌آنکه چشم‌اندازی برای بزرگ‌تر شدنش داشته باشند.



ابراهیم حاتم‌کیا: ۴ سال عمرم را گذاشتم و تازه شروع کرده‌ام

بحث انتظار؛ نفس زمانه

با بازیگرها برخورد می‌شد. **■ بهنام تشکر، بازیگر:** این نقش برای من خیلی چالش برانگیز و ترسناک بود. ترسناک‌تر این بود که آقای حاتم‌کیا آن را پیشنهاد می‌داد. آقای حاتم‌کیا، امیدوارم این امانتی را که از شما گرفتم، به‌خوبی به شما تحویل دهم. این پروژه برای من بسیار شگفت‌انگیز بود، چون نخستین بار هم بود که با این تکنولوژی کار می‌کردیم و اینها در کنار وسواس‌های آقای حاتم‌کیا جذابیت بیشتری با بازی جلوی دوربین توج منسوری داشت.

■ بهاره کیان افشار، بازیگر: من این فرصت را داشتم که شاگردی آقای حاتم‌کیا را تجربه کنم. چند سال قبل چنین شانس به من رو کرده بود که من آن را از دست دادم و فکر می‌کنم لطف خدا بود که بتوانم در بخشی از یک پروژه بزرگ که شاید برای نخستین بار در ایران تولید می‌شد، حضور داشته باشم.

■ کارن همایون‌فر، آهنگساز: خود من هرگز تجربه‌ای با این ششکوه و عظمت نداشته‌ام. این کار یک اتفاق و نقطه عطف است؛ یعنی جاذباتی که درباره فیلم دینی مطرح می‌شود، این کار به‌نظم نقطه‌آغازی است برای اینکه سینما به سمت جدی‌تر شدن در مسیر استانداردهای جهانی حرکت کند و رسیدن به این نقطه بدون حضور این گروه حرفه‌ای محال بود.

■ کیوان مقدم، طراح صحنه و لباس: برای نخستین بار بود که با حرفه طراحی صحنه به شکلی جدی و با این روش جدید آشنا شدم. احساس می‌کنم یکی از مقدس‌ترین کارهایی که می‌توانستم در حرفه خودم انجام دهم، همین پروژه موسی کلیم‌الله (ع) بود و احساس می‌کنم هنوز کارم تمام نشده است. آقای حاتم‌کیا آنقدر برای این کار زحمت کشید که ما مجبور شدیم خود را هم ردیف استاد کنیم.

است که فکر نمی‌کنم مجالی در هیچ جلسه‌ای با این زمان محدود برای آن بماند. این پروژه برای من مثل دست یافتن به یک آرزوی دوران کودکی بود. اگر کسی بخواهد کار گروهی را در یک ورکشاپ نشان دهد، سینما بهترین نمونه است تا بگوید که کار گروهی چیست. هیچ استودیویی، یک‌سوم امکاناتی را که ما با دست خالی بنا کردیم، ندارد. آدمی با سوابق ابراهیم حاتم‌کیا جرأت خارق‌العاده‌ای به خرج داد و به همه ما این جرأت را منتقل کرد. آقای رضوی هم اگر پشت این ماجرا نمی‌ایستاد، به نتیجه نمی‌رسیدیم.

■ میلزارعی، بازیگر: برای من نقش مادر حضرت موسی مثل سعی بین صفا و مروه بود و در تمام مدت فیلمبرداری این احوال را با خودم حمل می‌کردم. من فیلم سخت زیاد کار کرده‌ام ولی این تنها فیلمی است که روز آخر و پلان آخر احساس کردم بخشی از وجودم کنده شده است و با آن خداحافظی می‌کنم. به‌دست آوردن این نقش برای من شبیه معجزه بود، باور نمی‌کردم که به من واگذار شود. از خدا می‌خواستم که مرا در اجرای نقش سربلند کند تا از قلب‌های مخاطب وارد شوم نه از چشم‌های آنها.

■ فرهاد آنیش، بازیگر: از نظر حسنی در تمام مدت تماشای فیلم همراه با مادر موسی بودم. فکر می‌کنم همه بازیگران فیلم خوب بودند چون هیچ نوع غلو و کم‌گذاشتنی در کار نبود. اصل این ماجرا هم به‌نظم مربوط می‌شود به بستری که این فیلم ایجاد کرده بود؛ یعنی وقتی یک متن قوی باشد، بازیگران به‌راحتی می‌توانند در آن متن زندگی کنند. آقای حاتم‌کیا هم خیلی نرم و آهسته سراغ بازیگر می‌آمد. در گذشته وقتی تدریس می‌کردم به دانشجویان بازیگری می‌گفتم خطرناک‌ترین سد جلوی شما خود کارگردان است، چون می‌تواند شما را به هم بزند ولی در این کار خیلی ظریف

■ ابراهیم حاتم‌کیا، کارگردان: مثل تمام فیلم‌هایی که در این ۴ دهه ساختم، آنچه به‌صراحت می‌توانم بگویم این‌که فیلم‌هایی ساختم با عزیزان مختلف، اما این کار به‌خصوص ساخته نمی‌شد اگر سیدمحمود رضوی، آقای منصور، کیوان مقدم و علیرضا واعظ کنارم نبودند؛ محال بود که این فیلم شکل بگیرد. من درباره فیلم‌های سینمایی جنگی و اجتماعی که ساختم خودم می‌دانم که چه بگویم اما درباره این فیلم باید نویسندگان به‌طور مشخص توضیح بدهند.

■ هر فیلمی که می‌سازم باید نفس زمانه به آن بخورد. از این منظر بخشی از موضوع مهم برای من در فیلم «موسی کلیم‌الله» بحث انتظار بود.

■ من ۴ سال عمرم را گذاشتم و تازه می‌خواهم کار را شروع کنم. باید این پایلوت را انجام می‌دادم تا سریال اصلی را شروع کنیم. این کار به ما اعتماد به نفس زیادی داد و حتما ادامه می‌دهیم.

■ محمود رضوی، تهیه‌کننده: این فیلم شروع سریال حضرت موسی است که بلافاصله سراغ ساخت آن می‌رویم. در روزهایی که من و بعضی از همکاران مشغول آماده کردن فیلم برای جشنواره بودیم، آقای حاتم‌کیا و آقای منصور در حال پیش تولید برای آغاز سریال بودند. یک عدد ۱۰ هزار میلیارد قبلا مطرح شده که گفته بودم عجیب و غریب است. من از ۱۴۰۱ وارد گروه شدم و این نسخه سینمایی بخشی از کاری است که در قالب چند فصل و سریالی که چنددهه قسمت دارد، ساخته می‌شود. برای آن هم دستمزد ماهانه‌ای طبق عرف برای بازیگران در نظر گرفته شده است، اما این فیلم از چهار، پنج فیلمی که الان در جشنواره حضور دارند، کمتر هزینه داشته است.

■ تورج منصور، مدیر فیلمبرداری: تعریف کردن مسیری که این گروه پیموه، آنقدر سخت و پیچیده

